



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۱۰/۰۱



محمد ظاهر اسلمیار

شهادت محمد هاشم میوندوال،

یکی از غفلت های سردار محمد داوود خان



اعلیحضرت محمد ظاهر شاه با سرمنشی ملل متحد و محمد هاشم میوندوال

اوضاع افغانستان پس از کودتای ۲۶ سرطان متشنج گردیده بود. یک نوع بی اطمینانی در سراسر مملکت وجود داشت. مردمان بیشماری درین فکر بودند که سردار محمد داود خان که بر اساس یک عقده کودتا کرده است، آله دست شوروی و احزاب خلق و پرچم است. بعضی رویدادهایی که به وقوع پیوست، آن فکر را تأیید می کردند.

به طور مثال چندین وزارت در دست عناصر احزاب خلق و پرچم بود. از همه مهمتر وزارت داخله که اعمال ناروای بیشتر از آن منبع سرزد. گرفتاری مرحوم محمد هاشم میوندوال و شهادت او در زیر شکنجه بیشتر فکر آله دست بودن سردار محمد داود خان را تأیید کرد.

موضوع به این ترتیب بود که:

میوندوال تقریباً دونیم ماه پس از کودتا، به تاریخ ۲۳ سپتمبر ۱۹۷۳ شب هنگام از رادیو کابل اعلان شد که "محمد هاشم میوندوال، خان محمد خان مرستیال، عبدالرزاق خان دگر جنرال، سید امیر قوماندان هوایی، زرغون شاه دگروال، کوات خان دگروال، مهرعلی دگرمن، و عارف شنواری و یک تعداد دیگر به همدستی یک مملکت خارجی می خواستند توطئه‌ی را علیه جمهوریت به راه بیندازند. این خیانت شان بزودی کشف و همه شان گرفتار و توقیف شدند".

یازده روز بعد باز هم از طریق رادیو پخش شد که، محمد هاشم میوندوال در زندان با نکتایی اش خود را حلق آویز و انتحار کرده است.

ولی این ادعای دولت جمهوری را هیچکسی قبول نکرد. برخلاف ادعای بالا، در همه جا گفته میشد که عاقبت بخیر. هیچ فرد دارای عقل سلیم قبولدار نشد که مرحوم میوندوال دست بخود کشی زده باشد. به زودی مردم خبر شدند که میوندوال در وقت گرفتاری نکتایی با خود نداشت. از طرف دیگر چطور مکن است که نکتایی وزن یک انسان را برداشته بتواند. آن خبر مردم را به تأسف و خنده وا میداشت.

از جانب دیگر میوندوال مرحوم شخص متین و متدین و مصمم بود. چطور چنین شخصیتی دست به خود کشی میزد. در هر قدم محافظی هم وجود داشت و او را نظارت میکردند پس در صورتی که این خبر درست بود (که هرگز نبود) چرا از خود کشی او جلوگیری نکردند. این سوالات و صحبت ها در ادارات دولتی بسیار به صورت پنهانی و در خانه ها و در حلقه دوستان بطور واضح بیان میشد.

بهرحال، جسد مرحومی را درست برای همسرش، (میوندوال فرزندی نداشت) نشان ندادند. در نیمه تاریکی جسد او را برایش نشان دادند. اما مثل بسیاری از قضایای دیگر، بعد ها فاش شد که میوندوال در زیر ضربات لت و کوب در اثنای تحقیق تاب نیاورده جان سپرده است.

قبلاً همه خبر داشتند که محمد هاشم میوندوال بیمار بوده و چند باری هم جراحی شده بود. تحقیق میوندوال توسط صمد اظهار اجراء شده است. چندی گفته میشد که در حین داشتن قدرت با مباحثات در بین رفقای حزبی خود چیزهای را در رابطه با قتل میوندوال اظهار می نمود.

قتل محمد هاشم میوندوال و یک عده دیگر و زندانی شدن چند تن، به ترس و هراس و بی اطمینانی مردم اضافه نمود. از جمله سائیرین، اشخاصی که پس از شهادت میوندوال محکوم به اعدام شدند و "رهبر" سردار محمد داود خان حکم اعدام آنها را امضاء نمود، عبارت بودند از:

خان محمد خان مرستیال که در زمانی که داود خان پیش از داکتر یوسف خان مرحوم، صدراعظم بود، به حیث یکتن از دوستان مقرب سردار شناخته شده بود. این دوستی و حساب او بالای سردار به اندازه‌ی بی بود که در روز کودتای ۲۶ سرطان از طرف داود خان مؤظف شد که به وزارت دفاع ملی رفته و امور آنجا را نظم و ترتیب بدهد. اشخاص دیگر عبارت بودند از: سید امیر، زرغون شاه، سید رحمن وکیل، و عارف شنواری.

و یا دگر جنرال عبدالرزاق خان از طرف داؤد مؤظف شده بود که پلان تشکیل یک قول اردوی هوایی را ترتیب و آماده سازد. در حقیقت آن شخصیت ها دوستان سردار بودند. خود شخص مرحوم میوندوال که پس از کودتای ۲۶ سرطان به وطن برگشته بود، نزد سردار رفته و وعده همکاری داده بود. گرفتاری های بعدتر، شایعاتی را بین مردم قوی تر کرد که این همه گیر و گرفت، حبس ها و اعدام ها یک مقدمه چینی از جانب همکاران داؤد خان است که از ماسکو اطاعت می کنند. آنها اشخاصی را که در برابر مرام خود مانع و خطرناک می دیدند، به وسیله "رهبر" از بین می بردند. البته داؤد خان هم به بسیار آسانی آله دست شده بود. و وقتی که متوجه شد، در نتیجه غفلت های قبلی، نوبت خودش رسید. توطئه خائنین و غفلت سردار محمد داؤد خان نقص و زیان جبران ناپذیر به مملکت و ملت ما رسانید.

لطفاً برای کسب اطلاعات مفیدتر و بیشتر از موضوع فوقانی، به کتاب های ذیل مراجعه نمایید.

- میرمحمد صدیق فرهنگ: افغانستان در پنج قرن اخیر جلد دوم ص ۹
- محمد هاشم میوندوال. محمد نجیم آریا. ناشر سید آقا هنری.
- الحاج عبدالشکور احمدزی: شخصیت علمی، سیاسی و اجتماعی شهید میوندوال.
- غوث الدین فائق: « رازی را که نمی خواستم افشا گردد». ص ۳۴
- خان آقا سعید: رازی را که فائق افشا نکرد. صص ۳۴-۳۸
- عبدالصمد غوث: سقوط افغانستان. ص ۲۸۸ ترجمه فارسی محمد یونس طغیان ساکاپی.
- سید قاسم رشتیا: خاطرات سیاسی. به اهتمام محمد قوی کوشان. ص ۴۲۲

محمد طاهر اسلمیار
ویرجینیا- ایالات متحده امریکا

با سپاس از وبسایت گرامی "کابل ناتئه"